

# دکتر رابرت ای. پترسون، کار نجات بخش مسیح

## جلسه ۷، ۳ مقام مسیح: پیامبر، کاهن و پادشاه، بخش ۲

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر رابرت پترسون هستم در تدریسش در مورد کار نجات بخش مسیح. این جلسه ۷، سه مقام مسیح پیامبر، کاهن و پادشاه، بخش ۲ است.

ما در حال مطالعه سه مقام مسیح یعنی پیامبر، کاهن و پادشاه هستیم و در حال حاضر، با مقام نبوتی او کار می‌کنیم.

گفتیم که تثنیه ۱۴:۱۸ تا ۲۲، از تمام سلسله پیامبران سخن می‌گوید که به مسیح ختم می‌شوند، همانطور که پطرس در اعمال رسولان ۳:۲۲ با او شناخته می‌شود. بنابراین، من می‌خواهم جلوتر بروم و با عیسی به عنوان پیامبر بزرگ، همانطور که در موعظه بالای کوه، به عنوان کلمه در یوحنا ۱، و به عنوان گوینده عبارات «من هستم» در انجیل یوحنا نشان داده شده است، صحبت کنم. در موعظه بالای کوه، چندین بار، یک، دو، سه، چهار، پنج بار، حداقل عیسی می‌گوید، شما شنیده‌اید که این گفته شده است، اما من به شما می‌گویم متی ۵:۲۱، ۲۲، ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۳۴، ۳۸، ۳۹، ۴۳، ۴۴، هر بار او در حال اصلاح تفاسیر نادرست فریسیان و کاتبان از عهد عتیق است. وقتی در میانه‌ی آن بحث‌ها قرار می‌گیرد، نمی‌گوید شنیده‌اید، می‌گوید گفته شده در مورد کمک‌هزینه‌ی طلاق، اما من به شما می‌گویم.

عیسی واقعاً پیامبری معتبر است. فکر کردم خوب است که کمی وقت بگذاریم و در موعظه بالای کوه قدم بزنیم و تعالیم رادیکال و شگفت‌انگیز عیسی را ببینیم. او یک معلم رادیکال است.

او مانند کاتبان و فریسیان تعلیم نمی‌دهد، بلکه مانند کسی که اقتدار زیادی دارد، تعلیم می‌دهد. در واقع شیاطین از او اطاعت می‌کنند و خلقت خدا از او اطاعت می‌کند. ممکن است مضامین مختلفی در خطبه بالای کوه وجود داشته باشد، و بنابراین، می‌تواند به روش‌های مختلفی موعظه و تعلیم داده شود.

و البته، یکی از مضامین، عدالت خداست. اما من می‌خواهم مضمون متفاوتی را دنبال کنم، و آن مضمون خدا به عنوان پدر ماست. و بنابراین می‌خواهم از این منظر به موعظه نگاه کنم.

این موعظه درباره زندگی ما بر روی زمین با خدا به عنوان پدر آسمانی‌مان، در آیه ۱ از فصل ۵ انجیل متی صحبت می‌کند. البته این موعظه در متی ۵ تا ۷، یکی از مفصل‌ترین بخش‌های رسالت عیسی به عنوان یک پیامبر، ارائه شده است.

در سعادت‌های الهی، آنها از یک الگو پیروی می‌کنند. عیسی می‌گوید واقعاً خوشبخت هستند، خوشا به حال افرادی که زندگی‌شان به این شکل توصیف می‌شود، و سپس به این دلیل، یا برای اینکه، در نهایت نجات خواهند یافت. این معنای آن قالب است.

برای مثال، خوشا به حال فقیران در روح، زیرا پادشاهی آسمان از آن ایشان است. در آیه ۱۰ نیز عبارتی وجود دارد که می‌گوید پادشاهی آسمان از آن ایشان است. بنابراین، کتاب در هر دو انتها به پایان می‌رسد و درباره پادشاهی نهایی آسمان صحبت می‌کند.

البته، این موعظه به زندگی امروز مربوط می‌شود، اگر درست فهمیده شود، با در نظر گرفتن اینکه آموزه‌های عیسی بنیادی است، و ما باید مراقب می‌بودیم. بسیاری از مسیحیان دقیقاً به همین دلیل این موعظه را اشتباه فهمیده‌اند. اما من قصد ندارم کل آن را شرح دهم، اما واقعاً خوشا به حال کسانی که فقر معنوی خود را نیاز نهایی به خدا و بخشش و لطف او می‌دانند، زیرا پادشاهی آسمان از آن آنهاست.

واقعاً خوشا به حال کسانی که بر گناهان خود سوگواری می‌کنند، زیرا در نهایت خداوند آنها را تسلی خواهد داد. و همینطور است، اما آیه‌ای که واقعاً با موضوعی که من به آن می‌پردازم مطابقت دارد، آیه ۹ است، خوشا به حال صلح‌جویان، زیرا آنها پسران خدا نامیده خواهند شد. این به خدا به عنوان پدر اشاره نمی‌کند، اما به طور ضمنی آن را بیان می‌کند.

خوشا به حال کسانی که واقعاً خوشبختند، کسانی که در روابط خود با یکدیگر، و از همه مهم‌تر، در رابطه خود با خدا، صلح را دنبال می‌کنند. آنها پسران خدا نامیده خواهند شد. و باز هم، هر یک از خوشبحال‌ها در نهایت از رستگاری نهایی سخن می‌گویند.

بنابراین، این در مورد فرزندخواندگی نهایی ما یا تصدیق نهایی خدا از ما به عنوان پسران یا دخترانش صحبت می‌کند. البته، این موضوع اکنون پیامدهایی دارد، اما یک بار دیگر، در اینجا در خوشبحال‌ها، در مقدمه خطبه، که شخصیت مردان و زنان خدا ترس را توصیف می‌کند، ما این اشاره را به خانواده خدا و تعلق به پدر داریم. باز هم، نکته اصلی در نهایت است، اما البته دلالت آن این است که ما از قبل به او تعلق داریم همانطور که در کاربردهای عیسی از این اصل او، پدر بودن پدر، و فرزند بودن ما که مستقیماً در طول خطبه ادامه می‌یابد، خواهیم دید.

بقیه متی ۵، پس از خوشبحال‌ها، کاربردی در آیات ۱۱ و ۱۲ برای شاگردانی است که آزار و اذیت را تجربه می‌کنند. حتی در آنجا، عیسی می‌گوید، شما می‌توانید واقعاً خوشحال باشید زیرا برای من رنج می‌کشید و نباید تعجب کنید. این روشی است که آنها با پیامبران قبل از شما و قوم خدا قبل از شما رفتار کردند.

اما ادامه فصل ۵ درباره زندگی در جهان، اینجا و اکنون، با این آگاهی که خدا در آسمان پدر ماست، صحبت می‌کند. زندگی روی زمین، در جهان، با خدا به عنوان پدر آسمانی ما. بنابراین، در آیه ۱۶ می‌بینیم، همانطور که شهری بر فراز تپه، نوری در آنجا می‌درخشد و نمی‌توان آن را پنهان کرد، به همان شکل، بگذارید نور شما بر دیگران بتابد تا کارهای نیک شما را ببینند و پدر شما را که در آسمان است، جلال دهند.

مؤمنان نباید از جهان غیرقابل تشخیص شوند؛ آنها نباید با جهان هم‌رنگ شوند و همچنین نباید از جهان کناره‌گیری کنند. بلکه باید در جهان نفوذ کنند و در میان آن زندگی کنند و برای پدرشان زندگی کنند. و باید نیکی کنند، باید کارهای نیک انجام دهند، به عنوان گواهی بر اینکه خدا را به فیض او می‌شناسند، و وقتی آنها و مردم این کار را می‌کنند، هدفشان این نیست که مردم آنها را ستایش کنند، و عیسی بعداً در موعظه این را محکوم می‌کند، بلکه باید برای همسایه خود، به ویژه در این زمینه، همسایه نجات نیافته خود، نیکی کنند تا در نتیجه مردم خدا را ستایش کنند.

ما باید در جهان با این آگاهی زندگی کنیم که خدای آسمانی پدر ماست. ما دوباره آن را در آیات ۴۴ و ۴۵ می‌بینیم. شنیده‌اید که گفته شده است، ۴۳، همسایه خود را دوست بدار و از دشمن خود متنفر باش.

چاپ اولیه‌ی کتاب مقدس استاندارد جدید آمریکایی، نمی‌دانم هنوز هم این کار را می‌کند یا نه، اما نقل قول‌های عهد عتیق را با حروف بزرگ نوشته است. همه آن نقل قول‌ها با حروف بزرگ نوشته شده بودند چاپ بعدی فقط بخش اول را با حروف بزرگ نوشته است زیرا عبارت «از دشمن متنفر باش» با حروف

بزرگ نوشته نشده بود؛ این تفسیر فریسیانه، یا بهتر بگویم تفسیر غلط، از اصل عهد عتیق در مورد دوست داشتن همسایه بود.

بنابراین، شما حق دارید دشمن خود را دوست داشته باشید و از دشمن خود متنفر باشید. نه، عیسی می گوید اما من به شما می گویم، نه اینکه عهد عتیق را نقد یا اصلاح کنم، بلکه در واقع تفسیر فریسیان از عهد عتیق را اصلاح می کنم. من به شما می گویم، دشمنان خود را دوست داشته باشید و برای کسانی که شما را آزار می دهند دعا کنید تا فرزندان پدر خود باشید که در آسمان است.

زیرا او پسر خود را بر بدکاران و نیکان می شوراند و باران را بر عادلان و ظالمان می فرستد. زیرا اگر کسانی را که شما را دوست دارند دوست بدارید، چه پاداشی دارید؟ آیا حتی باجگیران نیز چنین نمی کنند؟ و اگر فقط برادران خود را سلام کنید، چه کار بیشتری از دیگران می کنید؟ آیا حتی غیریهودیان نیز چنین نمی کنند؟ بنابراین، شما باید کامل باشید، همانطور که پدر آسمانی شما کامل است. فرزندی ما برای پدر آسمانی در دعا برای دشمنان و حتی دوست داشتن آنها نشان داده می شود، که نشان می دهد ما توسط خدا بخشیده شده و دوست داشته شده ایم.

باز هم، برخلاف آموزه های رهبران اسرائیل در آن زمان، آموزه های عیسی رادیکال بودند. این آموزه ها عمداً خلاف جهت جریان اصلی بودند تا مردم نیاز خود را به خداوند ببینند، زیرا رهبران مردانی کور هستند که آنها را به ورطه نابودی می کشانند. آیه آخر در فصل ۵ می گوید، بنابراین شما باید کامل باشید، همانطور که پدر آسمانی شما کامل است.

قرار نیست کم اهمیت جلوه داده شود. شما می گوید، منظورتان این است که کتاب مقدس هدفی غیرممکن برای زندگی مسیحی ارائه می دهد؟ بله، کمال مطلق را به عنوان هدف قرار می دهد. این دست نیافتنی است.

حق با شماست. آیا خداوند این را نمی داند؟ البته که او این را می داند. ما همین را در اول پطرس ۱، به نقل از لائویان، می بینیم.

شاید ۱۱:۴۴ باشد، مطمئن نیستم. مانند پدرتان مقدس باشید، همانطور که خدا مقدس است. خداوند می گوید: همانطور که خدا مقدس است، مقدس باشید.

چی؟ این غیرممکنه. بله. چرا خدا به هدف غیرممکن برای زندگی مسیحی تعیین کرده؟ به چند دلیل.

اولاً، اگرچه او ما را آزادانه و به واسطه فیض خود می پذیرد، اما معیارهای غیرممکنی را برای فروتن کردن ما و یادآوری این نکته که هر روز به فیض او نیاز داریم، به ما می دهد. ما نه تنها یک بار برای همیشه به واسطه فیض از طریق ایمان نجات یافته ایم، بلکه هر روز به واسطه فیض خدا و از طریق ایمان، زندگی مسیحی را تجربه می کنیم. بنابراین، این ما را فروتن می کند و به سوی فیض خدا سوق می دهد، نه تنها به عنوان عشق او که در ابتدا ما را در خانواده خود می پذیرد، بلکه به عنوان قدرت و تدبیر پدر.

ما فیض را کوچک کرده ایم. این به معنای لطف یا عشق بی دریغ خداوند است. در واقع، حتی از آن هم قوی تر است.

این لطف و محبت اوست که برخلاف چیزی است که ما شایسته آن هستیم، نه صرفاً بی لیاقتی. این خلاف آن است. ما سزاوار جهنم هستیم و بهشت را به دست می آوریم.

ما سزاوار ناخشنودی او هستیم و در خانواده او پذیرفته شده‌ایم. اما فقط این نیست. فیض خدا قدرت او نیز هست.

همانطور که در دوم قرن‌تیا ۱۲، خدا خاری در جسم پولس گذاشت. پولس از خدا خواست که این بیماری جسمی، شاید ضعف بینایی، را برطرف کند. در غلاطیان ۴، مطمئن نیستیم. اما او بارها و بارها به خداوند التماس کرد و خدا گفت، نه، فیض من برای تو کافی است. به این تشابه توجه کنید، زیرا قدرت من در ضعف کامل می‌شود.

خدا می‌خواهد ما ضعف داشته باشیم، نیاز خود را ببینیم، تا بتوانیم هر روز از زندگی خود به فیض او تکیه کنیم. بنابراین، در متی ۵:۴۸، و در اول پطرس ۱، و جاهای دیگر، معیار زندگی مسیحی کمال مطلق است و دست نیافتنی است. بنابراین، این گفته که گاهی اوقات می‌شنوید، خدا هرگز به ما دستور نمی‌دهد کاری را انجام دهیم که ممکن نیست، نادرست است.

او عمداً این کار را می‌کند تا ما را سر جای خودمان بنشانند. ما از انسان‌های نجات نیافته بهتر نیستیم. ما به لطف خدا نجات یافته‌ایم و باید آنها را به عنوان گناهکارانی که نیاز به دانستن آن فیض دارند دوست داشته باشیم، و همچنین باید هر روز ما را به فیض او هدایت کند، و برای زندگی مسیحی به روح او تکیه کنیم، زیرا این یک برنامه خودیاری نیست.

اوه، ما سخت تلاش و کوشش می‌کنیم، اما ما تحت امر خدا هستیم و به لطف و روح او تکیه می‌کنیم. بخش بعدی خطبه دوباره خدمت عظیم عیسی را به عنوان پیامبر بزرگ خدا نشان می‌دهد، همانطور که در فصل ۶، تا ۱۸ می‌بینیم، زندگی در قلمرو مذهبی با خدا به عنوان پدر آسمانی. آیا این همه زندگی معنوی است؟ بله ۱، اما عیسی در اینجا به سه عنصری اشاره می‌کند که فریسیان آنها را از مرد یا زن معمولی جدا می‌کردند.

ما عمداً نسبت به فریسیان دیدگاه منفی داریم و این دیدگاه از عیسی و پولس سرچشمه می‌گیرد، اما یهودیان، قرن اول به فریسیان احترام زیادی می‌گذاشتند زیرا آنها بیش از آنچه شریعت مقرر کرده بود، دعا می‌کردند صدقه می‌دادند، دعا می‌کردند و روزه می‌گرفتند. آنها برای امور خدا بسیار متعصب بودند. آنها برای شریعت بسیار غیرت داشتند.

آنها بیشتر بخشیدند، بیشتر دعا کردند و بیشتر روزه گرفتند. جای تعجب و تصادفی نیست که عیسی در آیات ۴ تا ۱۵ از بخشش، در آیات ۵ تا ۱۵ از دعا و سپس در آیات ۱۶ تا ۱۸ از روزه صحبت می‌کند. بار دیگر، او ۶ عمداً و به طور اساسی با آموزه‌های فریسیان در تضاد است.

چرا؟ دو دلیل. در واقع، برای نشان دادن رحمت به فریسیان. من از اعمال رسولان ۶ شگفت‌زده‌ام، و شاید در مورد آیه ۶ باشد. حتی بسیاری از کاهنان از طریق خدمت حواریون به عیسی ایمان آوردند.

اگر عیسی طبق قوانین رهبران یهود عمل می‌کرد، چنین اتفاقی نمی‌افتاد. او از روی رحمت، و با این کار بر خود سخت می‌گرفت، و بارها و بارها را مورد انتقاد قرار می‌داد. متی ۲۳، هفت مصیبت بر فریسیان.

وای! او آنها را عصبانی کرد. او آنها را تحریک کرد تا شاید نیاز خود به نجات را ببینند. اعمال رسولان ۶. حدود آیه ۶، که بسیاری از آنها متوجه شدند.

بسیاری از لاویان و بسیاری از خانواده‌های کاهنان به عیسی ایمان آوردند. وای! دلیل دوم، آزاد کردن مردم از بند آموزه‌های فریسیان بود. بنابراین، بارها و بارها در این بخش، می‌بینیم که باید زندگی کنیم و آن کارهای معنوی را که انجام می‌دهیم، انجام دهیم.

بخشیدن، خدمت کردن، هر کار دیگری، استفاده از استعدادها و معنوی‌مان برای خدا، نه برای دیده شدن توسط انسان‌ها و تحسین شدن توسط آنها، بلکه برای خدمت به پدرمان که در آسمان است. ما این را فوراً در آیه ۱ می‌بینیم. این شعار، خلاصه موضوع ۱ تا ۱۸ این فصل است. مراقب باشید که پارسایی خود را در برابر دیگران به خاطر دیده شدن توسط آنها انجام ندهید، زیرا در آن صورت هیچ پاداشی از پدرتان که در آسمان است، نخواهید داشت.

بنابراین، وقتی به نیازمندان کمک می‌کنید، مانند ریاکاران در کنیسه‌ها و خیابان‌ها، برای اینکه دیگران آنها را تحسین کنند، شیپور نزنید. ما فکر نمی‌کنیم که این حرف به معنای واقعی کلمه درست باشد، اما منظور را می‌فهمیم. به نظر می‌رسد که این زبان اغراق آمیزی برای بخشش است تا مطمئن شویم دیگران می‌بینند که ما می‌بخشیم.

به راستی به شما می‌گویم، آنها پاداش خود را به طور کامل دریافت کرده‌اند. پاداش آنها ستایش مردم است. بنابراین، دین آنها از زمین فراتر نمی‌رود.

به آسمان نمی‌رسد. بلکه، آنها زمینی هستند. اگر بخواهید، واقعاً برای خشنودی انسان تلاش می‌کنند.

اما وقتی به نیازمندان کمک می‌کنی، عیسی می‌گوید، در باب ۶ و ۳ انجیل متی، نگذار دست چپت از کاری که دست راستت انجام می‌دهد، باخبر شود. این به معنای واقعی کلمه درست نیست. به عبارت دیگر، تا حد امکان، این کار را مخفیانه انجام بده و توجه کسی را به خودت جلب نکن.

من افرادی را می‌شناسم که واقعاً هرگز به چیزی که فکر می‌کردند خداوند می‌خواهد به آنها بدهد، نپرداخته‌اند زیرا کسی متوجه می‌شد که آنها ماهیت بنیادی آموزه‌های عیسی را از دست داده‌اند. البته، برخی افراد زمانی متوجه خواهند شد، اما در اعماق قلب شما، هدف این نیست که مردم بگویند، ای بابا، او چه غول معنوی است. نه، اینطور نیست.

گاهی اوقات، مردم متوجه می‌شوند، و آنها این کار را خواهند کرد، و مردم شما را ستایش خواهند کرد. باز هم آموزه‌های عیسی در اینجا مطلق نیست. به یاد داشته باشید، کارهای نیک خود را در مقابل مردم انجام دهید تا آنها پدر شما را در آسمان ستایش کنند.

ناگزیر، برخی افراد متوجه خواهند شد که این خطابه به عیسی مربوط می‌شود، چرا که او نه تنها به طور ریشه‌ای به نص شریعت می‌پردازد، بلکه به قلب، به روح شریعت نفوذ می‌کند. و این نیز در خود شریعت مناسب و شایسته است. دهمین فرمان، افسوس که، بسیار عمیق در قلب نفوذ می‌کند.

این فرمانی علیه طمع است. بنابراین، عیسی دقیقاً مطابق با روح عهد عتیق عمل می‌کند و تفاسیر فریسیان را که شریعت را تحریف کرده و از آن برای اهداف خود استفاده می‌کردند، رد می‌کند. او، او از این کار عصبانی است.

و سنت‌هایی وجود دارد که آنها به عهد عتیق اضافه کرده‌اند، باز هم برای منافع خودشان. عیسی به این چیزها، حمله می‌کند و اخلاق عهد عتیق را احیا می‌کند. آیا او آن را پیش می‌برد؟ مطمئناً، به خاطر شخص خودش. زیرا او پادشاهی است که پادشاهی معنوی خود را به ارمغان می‌آورد.

اما تأکید ما در حال حاضر چندان بر پادشاهی او نیست، اگرچه مناصب از شخص جدا نیستند. و این نیز صحبت کاهن است، اما در مورد پیامبر بزرگ خدا بودن اوست. اگر بدون اینکه یک دست از کار دیگری مطلع

شود، ببخشید تا بخشش شما در خفا باشد، اگر این کار را انجام دهید، پدر شما که در نهان می‌بیند، به شما پاداش خواهد داد.

و در مورد دعا کردن نیز همینطور است. مانند ریاکارانی نباشید که در کنیسه‌ها دعا می‌کنند تا دیگران آنها را ببینند. آنها پاداش و ستایش مردم را دریافت کرده‌اند.

اما وقتی دعا می‌کنی، برو توی کمد لباست و در را ببند. بعضی‌ها به خاطر همین، واقعاً کمد لباس دارند. من مخالفش نیستم.

اما باز هم، من افرادی را می‌شناسم که به دلیل سوءتفاهم در مورد ماهیت رادیکال آموزه‌های عیسی و استفاده، او از اغراق، در جلسات دعا دعا نکرده‌اند. نکته این است که، خب، این نکته یک بار توسط دی. ال. مودی مبشر بزرگ، به طرز چشمگیری به نمایش گذاشته شد. مردی، یک ملحد، به جلسات مودی رفت تا این واعظ نادان را مسخره کند.

مودی مرد تحصیل‌کرده‌ای نبود، اما خداوند را دوست داشت، با اشتیاق کتاب مقدس را مطالعه می‌کرد و حقیقت را موعظه می‌کرد. و در این مبارزه بزرگ، مودی از یک کشیش محلی خواست تا دعا کند. آن مرد مدام تکرار می‌کرد و به نظر می‌رسید که برای دیده شدن توسط مردان دعا می‌کند.

و این ملحد نمی‌توانست باور کند. واقعاً باز شد، شروع به گشودن قلبش به روی انجیل کرد. چون مودی به سمت میکروفون رفت و گفت، ببخشید برادر، تا دعایت تمام شد، به سراغ سرود مذهبی شماره‌ی فلان می‌رویم.

به عبارت دیگر، او تمایل فریسی‌گونه‌ی این [موضوع] را تشخیص داد. این فرصتی برای کشیش بود تا در مقابل شهرش بدرخشد، و مودی هیچ شانس نداشت، زیرا قرار بود عیسی در این پیام، در این جنگ صلیبی، و نه در هیچ چیز دیگری مانند آن، بدرخشد.

وای، آن مرد خیلی تحت تأثیر قرار گرفت. او گفت، این مرد واقعاً صادق است. او چشم و گوشش را باز کرد، و به لطف خدا، خدا قلبش را به روی پیام ساده مودی گشود.

و مرد ملحد تحصیل‌کرده‌تر، از واعظی که تحصیل‌کرده‌تر بود، به عیسی ایمان آورد. از طریق عیسی، از طریق ببخشید، مودی از اخلاق عیسی در موعظه بالای کوه، عیسی پیامبر بزرگ، پیروی می‌کند. وقتی می‌روید و، دعا می‌کنید، به اتاق خود بروید، در را ببندید و مخفیانه به پدرتان دعا کنید.

و وقتی دعا می‌کنی، پدرت که در نهان می‌بیند، تو را پاداش خواهد داد. و مانند بت‌پرستانی مباش که عبارات پوچ خود را انباشته می‌کنند تا شنیده شوند. به یاد کاهنان بعل می‌افتم که در نبرد با الیاس، در محراب بالا و پایین می‌پریدند.

ای پدر، به خدا قسم، آنها فکر می‌کنند که با کلمات زیادشان شنیده می‌شوند. مانند آنها نباشید، آیه هشتم زیرا پدرتان قبل از اینکه از او بخواهید، می‌داند که به چه چیزی نیاز دارید. اینگونه دعا کنید، ای پدر آسمانی ما.

موعظه بالای کوه را می‌توان به روش‌های مختلفی تحلیل کرد. نمی‌گویم این تنها راه است، اما یک راه معتبر و آموزنده این است که آن را به عنوان آموزه‌های عیسی، پیامبر بزرگ عیسی که به ما می‌آموزد چگونه زندگی

خود را روی زمین بگذرانیم، با این آگاهی که خدای قادر مطلق در آسمان پدر ماست، در نظر بگیریم. روزه گرفتن نیز همین‌طور است.

عیسی می‌گوید برای دیده شدن توسط دیگران روزه نگیرید. وقتی این کار را می‌کنید، وقتی مردم این کار را می‌کنند، آیه ۱۶، می‌دانید که او چه خواهد گفت. آنها پاداش را به طور کامل دریافت می‌کنند. اما وقتی روزه می‌گیرید، تا حد امکان عادی به نظر برسید.

با این قیافه‌ی غمگین، نشان ندهید که چقدر روحانی هستید. شما می‌خواهید پدرتان ببیند چه کسی در نهان می‌بیند، و پدرتان که در نهان می‌بیند، به شما پاداش خواهد داد. اگر فصل پنجم، پس از خوشحال‌ها، در مورد زندگی ما در جهانی خصمانه با خدا صحبت می‌کند، با این آگاهی که خدا پدر ماست، و اگر فصل ششم، از یک تا هجده، انجام آن کارهای خاص مذهبی را در چارچوب خودمان، عبادت، مطالعه‌ی کتاب مقدس دعا، بشارت، هر چه که باشد، با استفاده از هدایایی که خدا به ما داده است برای خدمت به خداوند آموزش می‌دهد، ما باید این کار را انجام دهیم، عیسی می‌گوید، نه برای اینکه تحسین مردان و زنان را به دست آوریم، بلکه باید این کار را برای خشنود کردن پدرمان در آسمان انجام دهیم. در خدمت به عیسی و استفاده از هدایایمان برای خشنود کردن پدرمان شادی وجود دارد. چه نعمتی است.

سپس، آیات 6: 19-34 در مورد حوزه‌ای به همان اندازه که در قرن بیست و یکم مرتبط است، صحبت می‌کند، و آن زندگی کردن و مدیریت ثروت و دارایی‌های خود با خدا به عنوان یک پدر آسمانی است.

اول از همه، او می‌گوید، هدف نهایی شما نباید انباشت هرچه بیشتر ثروت در زمین باشد، بلکه باید انباشت ثروت در آسمان باشد. گنج‌ها را در زمین، جایی که بید و زنگ به آن آسیب می‌رسانند و دزدان به آن نفوذ می‌کنند و آن را می‌دزدند، ذخیره نکنید، بلکه گنج‌ها را در آسمان برای خود ذخیره کنید. بیست و یک اصل فوق‌العاده‌ای است.

زیرا هر جا گنج تو باشد، قلب تو نیز آنجا خواهد بود. ما می‌توانیم تا حدودی معنویت یک نفر را از روی جایی که پول خود را می‌گذارند، قضاوت کنیم. یکی دیگر از کاربردهای این متن که من چندین بار از آن استفاده کرده‌ام، زمانی که توسط مسیحیان و نهادهای مسیحی مورد ظلم قرار گرفته‌ام و وسوسه شده‌ام که نسبت به آنها نگرش بدی داشته باشم، رک و پوست کنده می‌گویم، با این حال نامی نمی‌برم، این است که عمداً از آنها حمایت مالی می‌کنم، زیرا متوجه شدم که خداوند سپس نگرش من را تغییر داده است.

نمی‌گویم این کاربرد اصلی مد نظر خداوند عیسی است، اما هر جا که گنج شما باشد، قلب شما نیز آنجا خواهد بود و از آن حمایت خواهید کرد، بنابراین نمی‌گویم از مؤسسات لیبرال یا کسانی که انجیل را ترویج نمی‌کنند حمایت کنید، اما شاید در مقطعی از مسیر توسط یک مؤسسه مورد ظلم قرار گرفته باشید. به آن کمک کنید، و خدا احساسات بد شما را نسبت به آن از بین خواهد برد. شما نمی‌توانید هم به خدا خدمت کنید و هم به پول، آیه ۲۴.

ما نه تنها نباید گنج‌های خود را روی زمین ذخیره کنیم، بلکه باید آنها را در آسمان، جایی که پدر آسمانی ما حضور دارد، نیز ذخیره کنیم. ما نباید نگران پول باشیم. من اعتراف می‌کنم که این یک نبرد مداوم در زندگی من است، با این حال خدا نیکوست و به طرز شگفت‌انگیزی روزی می‌دهد، اما ما باید به اصطلاح، نگران خدا در پادشاهی او باشیم و پدرمان به وفور برای ما روزی خواهد داد. این را در آیات ۲۶ و ۳۲ می‌بینیم.

نگران زندگی خود نباشید، چه بخورید یا چه بنوشید، نگران بدن خود نباشید، چه بپوشید. آیا زندگی چیزی بیش از غذای بدن، چیزی بیش از لباس نیست؟ ببینید، خدا از پرندگان مراقبت می‌کند و گل‌ها را به طرز باشکوهی می‌پوشاند، گویی که هستند. این استدلالی است که نشان می‌دهد خدا کار بزرگتری انجام می‌دهد.

او به این موجودات ناچیز غیرانسانی اهمیت می‌دهد. آیا شما از آنها ارزشمندتر نیستید؟ پدر آسمانی شما آنها را تغذیه می‌کند و نیلوفرها را به زیبایی آرایش می‌دهد. پدر شما می‌داند که شما به چه چیزی نیاز دارید

، بنابراین، اما نگران نباشید، مثلاً در آیه ۳۱ بگویید چه بخوریم؟ چه بنوشیم؟ چه بپوشیم؟ زیرا در این متن منظور از غیریهودیان، افراد نجات نیافته است. کسانی که خداوند را نمی‌شناسند، در پی این چیزها هستند و پدر آسمانی شما می‌داند که به آنها نیاز دارید. اما ابتدا پادشاهی خدا و عدالت او را بطلبید، و همه این چیزها به شما افزوده خواهد شد.

پدرت تو را دوست دارد. پدرت به تو اهمیت می‌دهد. بنابراین عیسی، پیامبر، در حوزه دارایی و امور مالی می‌گوید، برای ثروت دنیوی زندگی نکن.

کتاب مقدس در مورد خطر ثروت هشدار می‌دهد. در عین حال، به کسانی که از طریق مواهب الهی ثروتمند شده‌اند، توصیه می‌کند که از آن ثروت برای ترویج پادشاهی خدا استفاده کنند. و سپس عیسی در آیات ۲۶ تا ۳۴ تغییر جهت می‌دهد و می‌گوید، نگران نیازهای خود نباشید زیرا پدری در آسمان دارید ۳۴

نمی‌فهمی؟ اگر مثل آدم‌های نجات‌نیافته زندگی کنی، نگران این چیزها باشی، به آنها می‌گویی که پدری در آسمان نداری، که پدری در آسمان نیست. اما اگر با اعتماد به نفس زندگی کنی، البته، در شغل کار کنی و غیره، حتی اگر نیاز داشته باشی و به پدرت اعتماد کنی که نیازهایت را برآورده کند، زندگی تو گواهی بر این است که پدری در آسمان هست، و او پدر توست، و تو پسر یا دختر او هستی، و او از فرزندان خودش مراقبت خواهد کرد. من متی ۷ را به طور کلی، به عنوان نتیجه‌گیری موعظه بالای کوه، می‌بینم، و در چند جا، از خدا به عنوان پدر ما یاد می‌کند.

تا ۶، اساساً می‌گوید، حالا من به شما تعلیم شگفت‌انگیزی داده‌ام. این نقل قول من است. من به شما ۷:۱ تعلیم شگفت‌انگیزی داده‌ام.

از آن برای قضاوت دیگران استفاده نکن. از آن برای قضاوت خودت استفاده کن و سپس به دیگران کمک کن. اما نگذار این مهماتی باشد که با آن بیرون بروی و به دیگران شلیک کنی.

نه، نه، نه، موعظه‌ی بالای کوه برای قلب، ذهن و زندگی شما در نظر گرفته شده است. و سپس با آن رشد کنید، و طوری به نظر برسید که انگار می‌توانید به دیگران کمک کنید.

و من فکر نمی‌کنم که این دانش به خودی خود کافی باشد. بلکه شما به پدر آسمانی خود نیاز دارید. پولس می‌گفت که شما به روح القدس نیاز دارید.

پس، بپرسید، بجویید و بکوبید، و خدا پاسخ خواهد داد. او شما را قادر به یافتن خواهد کرد. او در را به روی شما باز خواهد کرد.

یعنی شما به قدرت خدا، فیض او، روح او نیاز دارید. شما به خدا نیاز دارید تا موعظه بالای کوه را به انجام برساند. اصل مطلب در آیه ۱۱ آمده است.

اگر شما که شریر هستید، عیسی سخنانش را با صراحت بیان می‌کند، می‌دانید که چگونه به فرزندانان هدایای خوب بدهید، و شما این کار را می‌کنید، چیزی بد به آنها نمی‌دهید که شبیه به چیزی خوب باشد که در متن درخواست می‌کنند. اگر شما که شریر هستید می‌دانید که چگونه به فرزندانان هدایای خوب بدهید، پدرتان

که در آسمان است چقدر بیشتر به کسانی که از او درخواست می‌کنند هدایای خوب خواهد داد؟ پس از او بپرسید. محتوای کتاب مقدس، در این مورد از خدمت نبوی عیسی به شنوندگان قرن اول، ما را از وابستگی به پدر دور نمی‌کند، بلکه برعکس

این به ما نشان می‌دهد که ما برای زندگی کردن برای او و احترام به او به او نیاز داریم. عیسی می‌گوید، گول نخورید، گول نخورید. شما اینجا در دامنه کوه از تعلیمات من لذت می‌برید، اما مثل آدم‌های ساده‌لوح مذهبی نباشید.

بیشتر مردم قرار نیست طبق موعظه بالای کوه زندگی کنند. برعکس، اکثر آنها از دروازه پهن و راه آسانی که به نابودی منتهی می‌شود، پیروی می‌کنند. عیسی می‌گوید، بفهمید، آنچه به شما می‌گویم آسان نیست

دشوار است. دروازه باریک است؛ راه دشوار است، و این به حیات منتهی می‌شود. و در مقایسه، تعداد کمی آن را می‌یابند.

بنابراین وقتی همه از آموزه‌های نبوی رادیکال من در مورد نحوه زندگی شما استقبال نمی‌کنند، ناامید نشوید. در واقع، مراقب باشید. شما آموزه‌های مرا به عنوان آموزه‌ای از جانب خدا پذیرفتید، و این درست است زیرا من پسر خدا هستم، عیسی می‌گوید، و من آموزه‌ی پارسایی حقیقی را به شما می‌دهم، نه از نوع فریسی آن، بلکه پارسایی حقیقی قلب و غیره در زندگی

و من به شما می‌آموزم که به پدر خود و پدر من که در آسمان است احترام بگذارید. اما پیامبران دروغین وجود خواهند داشت. آنچه را که آنها در این زمینه می‌گویند، به ویژه نحوه زندگی آنها را بیازمایید

یک بخش وجود دارد. آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت، آیه ۱۶. آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت، آیه ۲۰.

همانطور که استاد الهیات سیستماتیک فوق‌العاده من، رابرت جی. دانزویلر، به من آموخت، برای دریافت آموزه‌های کتاب مقدس، باید از کل کتاب مقدس استفاده کنید. در جاهای دیگر، ما قبلاً آن را در تثنیه ۱۸ می‌بینیم، جایی که پیامبری که ادعا می‌کند پیامبر خداوند است، چیزهایی می‌گوید که به حقیقت نمی‌پیوندند، که آنها دروغ می‌گویند. به همین ترتیب، در فصلی زودتر در تثنیه، یا ۱۳ است یا ۱۵، من گم کرده‌ام، یا در تثنیه یا ۱۵، ۱۳ که می‌شود، آموزه این است که اگر آموزه‌های پیامبر با وحی قبلی مطابقت نداشته باشد، او نیز ۱۳ یک پیامبر دروغین است.

بنابراین، اینجا تأکید عیسی بر زندگی است. به این ترتیب، او در واقع توجه را به زندگی خودش جلب می‌کند. و این مرا به یاد یوحنا ۸ می‌اندازد، من شما را توصیه نمی‌کنم، یا نمی‌گویم عیسی با دشمنانش چه کرد

کدام یک از شما می‌تواند مرا به گناه محکوم کند؟ خواهیم دید که زندگی بی‌گناه او یکی از پیش‌نیازهای مرگ کفار آور و رستاخیز پیروزمندانه اوست. در اینجا، همانطور که عیسی می‌گوید، شما تعالیم مرا در مورد پدر آسمانی دریافت خواهید کرد. تعالیم همه را ساده‌لوحانه نپذیرید

ارواح را بیازمایید تا ببینید که آیا از جانب خدا هستند یا نه، اول یوحنا ۴، زیرا بسیاری از پیامبران دروغین به جهان رفته‌اند و خدا آنها را داوری خواهد کرد. نه تنها چنین است، بلکه فقط پیامبران دروغین وجود ندارند بلکه شاگردان دروغین نیز وجود دارند. نه هر که به من بگوید، متی ۷:۲۱، خداوند، خداوند، وارد پادشاهی آسمان خواهد شد، بلکه آن که اراده پدر مرا انجام دهد، باز همان است، که در آسمان است

در آن روز، بسیاری به من خواهند گفت، خداوندا، خداوندا، آیا ما به نام تو نبوت نکردیم، دیوها را به نام تو بیرون نراندیم، به نام تو اعمال عظیم انجام ندادیم؟ شاید زمانی انجیل جدید بود؛ فقط دو بار به نام تو بود. سه بار است. خیلی تأکید دارد.

این افراد کارهایی را به نام عیسی انجام می‌دادند، کارهایی که با عطایای معنوی مرتبط بودند. بنابراین پدیده‌های ماوراءالطبیعه آزمون کافی برای حقیقت خدا نیستند. من زمانی دانش‌آموزی از برزیل داشتم

او خیلی مراقب بود. خیلی محتاط بود. او گفت، کشور من کشور بزرگی است

و ما کلیسای کاتولیک داریم، و کلیسای انجیلی داریم، و مؤمنان زیادی داریم. همچنین فرقه‌ها داریم. چون دانشجوی آمریکایی من در این درس اختیاری خاص در مورد استقامت و ارتداد نشسته بود، ما از متن یونانی کار می‌کردیم، یک قسمت را پس از دیگری مطالعه می‌کردیم، و به آرامی یک الهیات را بنا می‌کردیم

آنها گفتند ما نمی‌توانیم این را درک کنیم. چطور ممکن است مردم این کارها را به نام عیسی انجام دهند و او را شناسند؟ زیرا او در آیه ۲۳ به آنها اعلام می‌کند که در روز داوری نهایی، من هرگز شما را نشناختم و از شما، ای بدکاران، جدا خواهم شد. این مرد بسیار محتاط بود

او که برزیل را به باغ وحشی از فرقه‌ها تبدیل نمی‌کرد، درست است؟ مثلاً تعداد زیادی انجیلی، مثلاً کلیسای پروتستان انجیلی قوی. اما فرقه‌ها وجود دارند. او از یک فرقه خاص و افرادی که می‌شناخت و توسط آن شفا یافتند صحبت کرد

چطور این کار را می‌کردند؟ گاهی اوقات، به نام عیسی. آنها جراحی‌های معنوی انجام می‌دادند. پزشک به این شکل روی بازوی فرد می‌رفت، آن را باز می‌کرد، تومور را بیرون می‌آورد و آن را می‌بست

او این را جادوی سفید و جادوی سیاه نامید. قطعاً چیزهای ماوراءالطبیعه در جریان بود. و البته، مردم برای آن سر و صدا می‌کردند

و بعضی‌ها با آن شفا یافتند. و بعد من، با کمی دلهره در قلبم، چون دقیقاً به این مرد اعتماد نداشتم. اما اینجا ما در حال تدریس در یک کلاس هستیم، و حالا او توجه همه را به خود جلب کرده، درست است؟ خب، من گفتم، چگونه می‌توان در این زمینه حقیقت را تعیین کرد؟ اوه، پاسخ او زیبا بود

او می‌گوید: «من نمی‌توانستم بهتر از این عمل کنم.» او گفت: «نه با معجزه، نه با کارهای ماوراءالطبیعه. شما.» حقیقت را با کلام خدا تعیین می‌کنید

و به کلام خدا، این یک فرقه بود که دوستان من و دیگران را با پدیده‌های ماوراءالطبیعه همراه می‌کرد. دانشجویان آمریکایی که صحبت‌های این مرد را شنیدند، هرگز آن و این متن را فراموش نخواهند کرد. می‌توان به نام عیسی، یا ماوراءالطبیعه، من آن را به نام عیسی می‌نامم، معجزه کرد، اما به عیسی تعلق نداشت و پدری را که در آسمان است نشناخت

این از سخنان خود عیسی است. اوه، ما باید با دقت بسیار در مورد هر کسی این نتیجه را بگیریم، اما باید بخشی از جهان‌بینی و تصویر کلی ما و بخشی از مجموعه‌ای باشد که با آن واقعیت را ارزیابی می‌کنیم. خداوند خطبه را نه با ذکر پدر، بلکه با ذکر خداوند عیسی، پیامبر بزرگی که پادشاهی خدا را می‌آورد و قرار است به عنوان کاهن به صلیب برود، به پایان می‌رساند و می‌گوید، اکنون خطبه من را در بالای کوه شنیده‌اید

از آن موعظه اطاعت کنید زیرا در تمثیل او درباره دو نوع خانه ساخته شده، یکی بر روی شن و دیگری بر روی سنگ، هر دو حقیقت را می‌شنوند. بنابراین کسی که این خانه را بر روی شن می‌سازد به دلیل کمبود اطلاعات نیست؛ بلکه به دلیل عدم اطاعت است که باعث می‌شود خانه‌اش هنگام وقوع فاجعه فرو بریزد. و کسی که این خانه را بر روی سنگ محکم می‌سازد، از سخنان خداوند عیسی اطاعت می‌کند.

این یک تمثیل کوچک زیباست، زیرا مصیبت برای همه، از جمله برای مسیحیان، پیش می‌آید. و من همیشه می‌گویم، وقتی مصیبتی به شما و خانه‌تان می‌رسد، شما سقوط می‌کنید، غرق خواهید شد. ما غول‌های معنوی فوق‌العاده‌ای نیستیم، اما به لطف خدا، فیض او ما را به سطح آب برمی‌گرداند.

و با کمک و دعا‌های برادران و خواهرانمان، به راه خود ادامه خواهیم داد، به خصوص اگر زندگی ما بر اساس آموزه‌های پیامبر بزرگ، خداوند عیسی مسیح باشد. در این زمینه، به خصوص آموزه‌های خطبه بالای کوه کمی بعد در مورد اینکه چگونه عیسی پیامبر بزرگ است از عبرانیان ۱:۱ و ۲ صحبت خواهیم کرد، اما این کار را در چارچوب فصل ۱، آیات ۱ و ۲ عبرانیان انجام خواهیم داد. فصل ۱ عبرانیان در واقع به آیات ۲ و ۴ می‌پردازد. تقسیم‌بندی فصل‌ها به بهترین شکل ممکن نیست، تا جایی که من می‌دانم، این بهترین متن است که هر سه مقام را با هم ترکیب می‌کند و آنها را به خداوند عیسی مسیح نسبت می‌دهد.

زیرا خداوند در عهد عتیق به این مناصب، مناصب تاریخی، یک پیامبر، کاهنان، انبیا، کاهنان و پادشاهان، به عنوان خدمتگزاران به قوم خود در داستان‌های زنده خودشان و در تاریخ اسرائیل، بدون شک، داده است، اما هدف بلندمدت او متحد کردن این سه مقام بود، چیزی که در عهد عتیق پی‌سابقه بود. به عنوان مثال، قرار نبود پادشاهان با مسائل کاهنان بازی کنند.

این سه مقام را در یک شخص، یعنی پسرش، متحد کنید، کسی که او به او روح بی‌حد و حصر عطا می‌کند تا نبی، کاهن و پادشاه به تمام معنا باشد. بنابراین، اگر خدا بخواهد، به عبرانیان ۱: ۱ و ۲ برمی‌گردم، اما عیسی چیزی بیش از یک پیامبر است. همانطور که از یوحنا فصل ۱ می‌بینیم، عیسی خود کلام خداست.

در سخنرانی بعدی‌مان، وقتی واقعاً دوباره به آن بپردازیم، جزئیات بیشتری در مورد آن خواهیم دید.

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد کار نجات‌بخش مسیح است. این جلسه ۷، سه مقام مسیح پیامبر، کاهن و پادشاه، بخش ۲ است.